

دود بنگاه‌داری بانک‌ها در چشم صنعت

ورود بانک‌های کشور به عرصه بنگاه‌داری در سال‌های گذشته موجب شده سهم صنعت و اشتغال از تسهیلات بانکی به‌طور مداوم کاهش یابد

یادداشت
O P I N I O N



محمدرضا رأفت

مدیر توسعه اقتصاد دانش‌بنیان آیدرو

زمستان و مشکل ناترازی گاز

با نزدیک شدن فصل سرما، بحث تأمین سوخت بار دیگر در صدر دغدغه‌های اقتصادی کشور قرار گرفته است. تجربه سال گذشته نشان داد ناترازی انرژی دیگری هشدار نیست، بلکه واقعیتی است که هم شبکه گاز و هم شبکه برق را تحت فشار قرار داده است. نیروگاه‌ها در زمستان گذشته با کمبود سوخت روبه‌رو شدند و در نتیجه، افت تولید برق به بحرانی زنجیره‌ای تبدیل شد که دامنه آن تا واحدهای صنعتی و تولیدی کشیده شد.

مسئله اصلی، اما به گاز بازمی‌گردد؛ جایی که افت فشار در مخازن پارس جنوبی به‌عنوان بزرگ‌ترین منبع گاز کشور، رنگ خطر جدی را به صدا درآورده است. کاهش تولید در این میدان، نتیجه مستقیم افت سرمایه‌گذاری در توسعه میادین جدید و فناوری‌های افزایش فشار است. طبق پیش‌بینی شورای عالی انرژی در سند تراز تولید و مصرف گاز، روند ناترازی در سال‌های آینده نیز ادامه خواهد داشت؛ حتی با اجرای سیاست‌های مدیریت مصرف و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، این شکاف به‌طور کامل پر نخواهد شد. در چنین شرایطی، تمرکز بر انرژی‌های تجدیدپذیر بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است. نیروگاه‌های خورشیدی و بادی به دلیل زمان اجرای کوتاه‌تر و بی‌نیازی از سوخت فسیلی، می‌توانند بخشی از راه‌حل فوری برای مهار بحران باشند. بر همین اساس، هیأت دولت سال گذشته مصوبه‌ای برای تسهیل احداث ۳۰ هزار مگاوات نیروگاه تجدیدپذیر تصویب کرد. سازمان ساتینا نیز مأمور شده تا با حمایت صندوق توسعه ملی، ساخت هفت هزار مگاوات از این ظرفیت را محقق کند؛ روندی که بهره‌برداری‌های هفتگی از نیروگاه‌های جدید، نشانه‌های مثبتی از آن به دست می‌دهد.

با این حال، انرژی خورشیدی به‌تنهایی پاسخگو نیست. محدودیت بهره‌برداری در شب و روزهای ابری، ضرورت استفاده همزمان از نیروگاه‌های حرارتی یا بادی را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. ترکیب متوازن این منابع می‌تواند راهکاری پایدار برای تأمین برق کشور باشد؛ مدلی که بسیاری از کشورهای در حال توسعه در مسیر آن گام برداشته‌اند.

در این میان، سیاست تازه وزارت نیرو مبنی بر الزام واحدهای صنعتی به تأمین برق مورد نیاز خود، واکنش‌هایی برانگیخته است. این سیاست اگرچه در ظاهر نوعی انتقال بار به دوش تولیدکنندگان است، اما از منظر دیگر می‌تواند به شتاب‌گیری سرمایه‌گذاری در احداث نیروگاه‌های کوچک مقیاس و پنل‌های خورشیدی منجر شود. مشکل آنجاست که در غیاب حمایت‌های مالی و تسهیلاتی کافی، چنین اقدامی برای بسیاری از واحدهای تولیدی سنگین و غیرعملی خواهد بود.

ناترازی انرژی، امروز نه فقط چالشی فنی، بلکه مسئله‌ای اقتصادی و ملی است. استمرار این وضعیت می‌تواند بر رشد صنعتی، اشتغال و ثبات اقتصادی کشور اثر منفی بگذارد. از این رو، ضرورت دارد سیاست‌های حمایتی دولت در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر و توسعه زیرساخت‌های گازی با شتاب و جدیت بیشتری دنبال شود. تاب‌آوری صنایع در زمستان پیش‌رو، آزمونی است برای عیار مدیریت انرژی در ایران.



مهناز مهرداد

روزنامه نگار

مصوب هیأت وزیران با هدف کاهش برخی از آثار ناشی از قطعی برق و گاز واحدهای تولیدی توسط معاون اول رئیس‌جمهور ابلاغ شد که در متن این تصویب‌نامه آمده بود: «با پیشنهاد وزیر صنعت معدن و تجارت و تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بخشی از تسهیلات بانکی دریافتی واحدهای تولیدی تا ۶ ماه امهال می‌شود.»

در بخش دیگری از این تصویب‌نامه که از سوی معاون اول رئیس‌جمهور ابلاغ شده بود، آمده بود: «با پیشنهاد وزیر صنعت معدن و تجارت، واحدهای تولیدی بدهکار به سازمان تأمین اجتماعی ناشی از کمبود برق و گاز و به میزان پرداختی به سازمان تأمین اجتماعی می‌توانند از طریق بانک رفاه از اوراق گواهی سپرده خاص (سرمایه در گردش) بهره‌مند شوند.»

اگرچه دولت در تلاش است بانک‌ها را مکلف به ارائه تسهیلات به صنعت کند اما همچنان دل صاحبان صنایع از این وضعیت خون است. عبدالوهاب سهل آبادی، رئیس خانه صنعت، معدن و تجارت کشور در گفتگویی با آتیه‌نو به نقد وضعیت دریافت تسهیلات بانکی پرداخته و تأکید می‌کند: «اکنون یک تولیدکننده و صنعتگر، صاحب یک کسب و کار کوچک و متوسط یا صاحبان صنایع مولد و اشتغال‌زا گاه برای دریافت تسهیلاتی ۲۰ میلیاردی با مشکلات بسیار مواجه هستند اما همزمان در کشور افرادی را داریم که بدهی معوق بانکی آن‌ها بالغ بر ۶٫۶ همت است.»

اولتیماتوم بانک مرکزی

در آخرین روزهای مهر ماه سال جاری نیز محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی در سخنان خود در جمع فعالان اتاق بازرگانی از فراهم شدن مقدمات واگذاری شرکت‌های وابسته بانک‌ها با شرایط تسهیل شده و فروش اقساطی خبر داد و گفت: «بانک مرکزی مقررات را تسهیل کرده و این روند در قالب قسطی نیز امکان‌پذیر است؛ در واقع اعتقاد داریم شرکت‌های غیرمرتبط باید از فضای بانک‌داری خارج شوند.»

این اقدام در ظاهر گامی برای خروج بانک‌ها از فعالیت‌های غیرمولد و بازگشت به مأموریت اصلی تأمین مالی تولید است. در سال‌های اخیر بانک‌های کشور پس از رشد شدید دارایی‌های غیرعملیاتی، عملاً تبدیل به هلدینگ‌های شبه‌سرمایه‌گذاری شده‌اند؛ شرکت‌هایی در حوزه ساختمان، گردشگری، پتروشیمی، بیمه، معادن و حتی خودرو که در ترازنامه بانک‌ها بار مالی سنگینی ایجاد کرده است.

طبق داده‌های رسمی، سهم دارایی‌های غیرنقد و شرکت‌های زیرمجموعه در برخی بانک‌ها به بیش از ۴۰ درصد کل دارایی‌ها رسیده؛ رقمی که نقدشوندگی بانک‌ها را کاهش داده و نسبت کفایت سرمایه را به شدت پایین آورده است.

کارشناسان معتقدند بخش زیادی از ناترازی در ترازنامه بانک‌ها ریشه در همین انباشت دارایی‌های راكد دارد؛ دارایی‌هایی که نه تنها بازدهی واقعی ندارند بلکه با افزایش هزینه استهلاک، به زیان پنهان تبدیل شده‌اند. حضور بانک‌ها در حوزه بنگاه‌داری، سرمایه و تسهیلات را از بخش‌های مولد منحرف کرده است. وقتی بانک بخشی از سرمایه‌اش را صرف مالکیت و اداره یک شرکت اقتصادی می‌کند، ناگزیر اولویت تخصیص منابع را به همان مجموعه می‌دهد، در نتیجه بازار تسهیلات برای بنگاه‌های خصوصی واقعی تنگ‌تر می‌شود.

از سوی دیگر، بانک‌ها در مقام سهامدار، برای نوسان‌گیری از دارایی و املاک خود انگیزه بیشتری می‌یابند تا برای تأمین مالی تولید. این رفتار، به تعبیر کارشناسان، نوعی «تعارض منافع ساختاری» در بانکداری ایران ایجاد کرده است. با این حال، برخی کارشناسان هشدار می‌دهند که فروش شرکت‌ها در قالب اقساط، اگر بدون سازوکار شفاف ارزیابی و قیمت‌گذاری باشد، ممکن است منجر به تکرار واگذاری‌های غیرشفاف دهه ۹۰ شود. بر همین اساس، ضرورت دارد بانک مرکزی و سازمان خصوصی‌سازی چارچوب مشخصی برای نحوه تقسیم، نرخ سود فروش و کنترل دیفاند تدوین کنند تا از بازگشت دارایی‌ها به شبکه بانکی جلوگیری شود. اقدام بانک مرکزی در گشودن مسیر فروش اقساطی شرکت‌های بانکی را می‌توان یکی از حلقه‌های اصلی اصلاحات ساختاری نظام بانکی دانست. پایان بنگاه‌داری نه تنها اعتماد عمومی به شبکه بانکی را افزایش خواهد داد، بلکه می‌تواند زمینه را برای کاهش ناترازی زمین و بازگشت بانک‌ها به کارکرد اصلی‌شان یعنی تأمین مالی تولید و سرمایه‌گذاری واقعی فراهم سازد.

شیخ همچنین به راهکار در نظر گرفته شده برای برون رفت از این شرایط اشاره و تصریح کرده بود: «دستورالعمل سرمایه‌گذاری برای تولید بدون کارخانه تهیه کرده‌ایم تا از ظرفیت‌های خالی، حداکثر استفاده را داشته باشیم.»

رشد ۴۶ درصدی تسهیلات صنایع

البته مرداد ماه سال جاری از سوی مسئولان وزارت صمت چنین اعلام شده بود که «در بحث سرمایه در گردش و تأمین منابع مالی واحدهای صنعتی دواقدام اساسی انجام شده که ارتقای ظرفیت تولید واحدها و پرداختی تسهیلات به صنعتگران بوده که سعی شد در چهار ماهه امسال ۴۸ درصد تسهیلات به بخش صنعت اختصاص یابد.»

همچنین درباره تخصیص ارز گفته شد «اختیاراتی تا ۵ میلیون دلار برای خرید ماشین‌آلات و ۳ میلیون دلار برای تهیه مواد اولیه به استانداران داده شده تا همکاری و همراهی لازم را انجام دهند.»

با این وجود شرایط فرغنج صنعتگران نیاز به بهره‌مندی از حمایت‌های به مراتب بیشتری دارد. در برنامه بودجه ۱۴۰۴ نیز چنین دیده شده بود که «بخش صنعت با در اختیار داشتن حدود ۲۸ درصد از کیک تولید ناخالص داخلی، سهم بسزایی در رشد اقتصادی مورد انتظار در برنامه هفتم دارد؛ از این رو اعتبارات این بخش در لایحه بودجه سال آینده نزدیک ۴۶ درصد رشد خواهد داشت.»

تسهیلات ۲۰ همتی برای خودروسازان

وقتی سهمی بیش از یک چهارم تولید ناخالص ملی به صنایع مربوط است، طبیعی است با لیستی بلند بالا از تولیدکنندگان خرد و کلان مواجهیم که در شرایط فعلی بسیاری از آن‌ها نیاز جدی به دریافت تسهیلات بانکی دارند. صنعت خودرو به عنوان یکی از بزرگترین صنایع کشور شاهی بر این ادعاست. طی روزهای گذشته سید محمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و

نرخ شتابان تورم، کندی‌ها و اختلالات در دریافت ارز برای تأمین مواد اولیه و تجهیزات، شرایط تحریمی کشور و معضلات سیاسی از جمله وقوع جنگ، ناترازی و افزایش قابل توجه هزینه‌های انرژی، رکود، بحران سرمایه‌گذاری، کم‌آبی و دهه‌ها موضوع دیگر دلایلی است که در این سال‌ها مانع از آن شده که آب خوش از گلوی صنعتگران پایین برود. شاهد این ادعا هم تعطیلی کارخانه‌های قدیمی و معروف و تعدیل نیروهایی است که مرتب در واحدها صورت می‌گیرد. در چنین شرایطی طبیعی است بهره‌مندی تولیدکنندگان و کارفرمایان از تسهیلات بانکی، آنها را در گذراندن این دوره سخت‌پاری خواهد کرد اما متأسفانه نظام بانکی نیز در سایه سیستم انقباضی خود هر بار برای ارائه انواع وام‌ها سختی مضاعفی در نظر می‌گیرد و گاه چنان دسترسی به تسهیلات بانکی دشوار می‌شود که فرد عطای آن را به لقایش می‌بخشد. بنگاه‌داری بانک‌ها از عواملی است که به زعم بسیاری از اقتصاددانان در کند شدن روند اعطای تسهیلات نقش مهمی ایفا می‌کند.

فعالیت صنایع با ۴۰ درصد ظرفیت

ابراهیم شیخ، معاون صنایع عمومی وزارت صنعت، معدن و تجارت شهریور ماه سال جاری از درخواست این وزارتخانه از بانک مرکزی خبر داد و گفته بود: «درخواست کرده‌ایم که تأمین مالی و تسهیلات بخش صنعت افزایش یابد و به سطح ۶۰ درصد از کل تسهیلات بانکی برسد.»

او در عین حال یادآور شده بود: «در برنامه هفتم پیشرفت، رشد ۸٫۵ درصدی برای صنعت هدفگذاری شده است و ما اسناد راهبردی برای دستیابی به این اهداف تهیه کرده‌ایم، امیدواریم بانک مرکزی کمک کند تا سرمایه در گردش بخش صنعت فراهم شود.» اما آمار دردناک‌تری که معاون وزیر صمت ارائه کرد، این بود که «در حال حاضر برخی از صنایع با ۲۰ درصد از ظرفیت مشغول به کارند و به‌طور میانگین، صنایع ما با ۴۰ درصد ظرفیت نصب شده فلاند.»

بنگاه‌داری بانک‌ها؛ دوراهی زیان و اصلاح

مواجه شده‌اند.

نمایندگان مجلس نیز بر اجرای قانون خروج بانک‌ها از بنگاه‌داری تأکید دارند و بر ضرورت فروش اموال مازاد و اعمال ابزارهای نظارتی، از جمله جریمه مالیاتی و برخورد با مدیران متخلف، پافشاری می‌کنند. کارشناسان هشدار می‌دهند که ادامه این روند، هم انگیزه بانک‌ها را برای حمایت از تولید واقعی کاهش می‌دهد و هم بازار تسهیلات بانکی را برای بنگاه‌های خصوصی محدود می‌سازد.

در واکنش به این وضعیت، دولت برنامه‌هایی برای اصلاح نظام بانکی تدوین کرده و تأکید دارد که پرداخت تسهیلات و فرایند نظارت باید بازنگری شود. هدف اصلی، پایان دادن به چرخه زیان‌بار بنگاه‌داری و بازگرداندن بانک‌ها به مأموریت اصلی خود، یعنی تأمین مالی تولید و سرمایه‌گذاری مولد است. کارشناسان معتقدند تحقق این اصلاحات می‌تواند نه تنها اعتماد عمومی به شبکه بانکی را افزایش دهد، بلکه زمینه را برای بهبود نقدینگی، کاهش ناترازی و هدایت منابع به بخش‌های واقعی اقتصاد فراهم کند.

بنگاه‌داری بانک‌ها یکی از چالش‌های ساختاری نظام مالی کشور به شمار می‌رود که طی سال‌های اخیر بارها مورد انتقاد مسئولان و کارشناسان اقتصادی قرار گرفته است. تمرکز بانک‌ها بر مالکیت و اداره شرکت‌های غیرمولد، منابع و سرمایه‌های مالی را از بخش‌های تولیدی و مولد دور می‌کند و نقدینگی را به جای تزریق به اقتصاد واقعی، به دارایی‌های کم‌بازده و شرکت‌های زیرمجموعه منتقل می‌کند. این روند نه تنها بازدهی سرمایه را کاهش می‌دهد، بلکه با افزایش هزینه استهلاک و ناترازی ترازنامه، ریسک سیستم بانکی را بالا می‌برد.

در سال‌های گذشته هشدارهای متعدد نسبت به زیان‌های ناشی از بنگاه‌داری بانک‌ها داده شده و رهبر انقلاب نیز با صراحت این اقدام را تقبیح کرده‌اند. حتی دیوارنگاره‌ای در میدان ولیعصر با جمله «بانک‌ها غلط می‌کنند با پول مردم بنگاه‌داری کنند» که از قول ایشان بود، نصب شد که نشان‌دهنده اهمیت و حساسیت موضوع بود. با وجود این، برخی بانک‌ها همچنان وارد فعالیت‌های اقتصادی غیرمرتبط شدند و تجربه‌ها نشان می‌دهد این بانک‌ها با ضرر و زیان